

این بانودر خیابان به کودکان کار درس می دهد

■ بساط دستفروشی دخترک در یک مساحت کوچکی، نزدیک متروبی در مرکز شهر روی زمین پهن بود. زنی جوان کنار آن دخترک روی زمین نشسته بود و نگاه معصومانه دخترک به تخته وایت بردی که در دست آن زن قرار داشت دوخته شده بود. معلوم بود آن زن در حال آموزش به آن دختر است. کمک به کودکان کار از یاد دیده بودم، یا غذا بود یا پول یا پوشاک. اما این کمک خیلی متفاوت بود. کنجکاو شدم و نزدیک آن زن رفتم. دخترک از دیدنم کمی ترسید. دستی روی سرش کشیدم و گفتم عزیزم خوبی؟ ته دلش نفس راحتی کشید و گفت خوبم خرید دارید؟ یک جفت جوراب خریدم و پرسیدم چکار می کنی؟ گفت دارم درس می خوانم. تشویقش کردم و بعد با زن جوان صحبت کردم. الهام ارشدی معتقد است انسان ها بیش از نیازهای جسمی، محتاج نیازهای ضروری روانی هستند که بدون توجه به این نیازها زندگی سربلندی نخواهند داشت. این شهروندی می گوید به اندازه وسع خودم برای نجات یک انسان احساس مسئولیت می کنم | صفحه ۱۰



مسئولانه عمل کن حتی اگر مسئول نباشی!



دکتر حمیدرضا محشمی، مدرس رشد و توسعه فردی:

مسئولیت پذیری یک زنجیره است قطع کننده آن نباشیم



دکتر احمدرضا هاشمیان، مشاور و مدرس آموزش خانواده:

والدین با تکیه بر شکیبایی و قاطعیت فرزندان مسئولیت پذیر تربیت کنند



دکتر نادر صادقان، جامعه شناس:

آموزش و احقاق حق مقدمه ضروری مسئولیت پذیری است

خودمانی



زندگی طرفدار مسئولیت پذیرهاست

به عصر مدرن که ترجیح «خود» به «دیگری» عادی انگاری شده وای بسا شوربختانه زندگی تلقی می شود، سخن راندن از مسئولیت پذیری، آب در هاون کوبیدن است، اما پاسخ آن است که حداقل در ایران ما، جمع زیادی هستند که با همین مسئولیت پذیری، چرخ های فرسوده حکمرانی غیرتوین را به حرکت در می آورند و در کنار ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند، تا مانی به کف آریم و به غفلت نخوریم. البته به قول سعدی «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردارا شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری.» بنابراین اینجا هم سخن از «شرط انصاف» است و نه «اجبار» و این همان مسئولیت پذیری فرد را نشان می دهد که اگر به آن پایبند باشد، شرط انصاف را رعایت کرده است.

مسئولیت پذیری اجتماعی شاید مهم ترین نوع مسئولیت پذیری است که در عصر امروز نیاز هر جامعه ای محسوب می شود و افراد باید نسبت به رعایت آن حساس باشند. قطعاً کسانی که مسئولیت پذیری شغلی و فردی دارند، در مساحت مسئولیت پذیری اجتماعی نیز حساس هستند. این افراد ضمن داشتن هدف و برنامه منظم، و دقت کافی در زمان بندی، قادر به کاری نیستند و اگر فردی مسئولیت پذیر است نه از سر اجبار، بلکه به دلیل بلوغ شخصیتی و فکری اوست که خود را در مقابل برخی امورات مسئول می داند و سعی می کند به بهترین نحو ممکن آن را انجام دهد. شاید گفته شود در عصر حاضر موسوم

«خانه از زاویه چقدر زیباست» این سر فاصت توصیف زیبایی خانه از زاویه دید یک نفر نیست، بلکه قدر دانی ضمنی از زحمات کسی است که چنین فضایی را ایجاد کرده و از آن مراقب می کند. طبیعتاً با گفتن چنین گزاره ای، مسئولیت فرد در قبال طرف مقابل سلب نمی شود و کیفیت آنچه باید انجام دهد به میزان مسئولیت پذیری وی بستگی دارد و به میزانی که مسئولیت پذیرتر باشد، منجر به جلب اعتماد طرف خواهد شد و رفته رفته فضای آنچه هست، زیباتر و دلنشین تر هم می شود. این حکایت زندگی اغلب افرادی است که با مسئولیت پذیری زندگی خود را از آنچه هستند، دلچسب تر می کنند.

مسئولیت پذیری تعهد وجدانی یک شخص در قبال کارهایی است که به وی سپرده می شود یا به نحوی از انجا بر عهده او قرار دارد و انجام دادن آن گامی در جهت ارائه خدمت به دیگری است و در عوض به توسعه فردی شخص و رشد شخصیتی او نیز کمک می کند. نکته مهمی که درباره مسئولیت پذیری وجود دارد، نقش والدین در شکل گیری این بلوغ شخصیتی در درون فرد است، به طوری که اگر والدین نسبت به مسئولیت پذیری بودن فرزند خود حساس باشند و او را برای مسئولیت های ریز و درشت تشویق کنند، نتایج آن رفته رفته ملموس تر می شود. مولانا به یکی از جدل های عصر خود که انسان را فاقد اختیار است که به وی سپرده می شود یا به نحوی از انجا بر عهده او قرار دارد و انجام دادن آن گامی در جهت ارائه خدمت به دیگری است از سر اجبار است یا یک بیت شعر طرف در دفتر پنجم مثنوی معنوی پاسخ داده است: «اینکه فردا این کنم یا آن کنم / این دلیل اختیار است ای صنم.» بنابراین انسان ها مجبور به انجام کاری نیستند و اگر فردی مسئولیت پذیر است نه از سر اجبار، بلکه به دلیل بلوغ شخصیتی و فکری اوست که خود را در مقابل برخی امورات مسئول می داند و سعی می کند به بهترین نحو ممکن آن را انجام دهد. شاید گفته شود در عصر حاضر موسوم

نیرو ساری

۴ گام برای مسئولیت پذیر کردن بچه ها

مسئولیت پذیری ارزشمندترین میراث والدین برای فرزندان است

کار می کردید؟ به این شکل در اصل ذهن فرزند را درگیر عملی که از سوی شخص انجام می شود و نتیجه ای که در پی آن عمل برای شخص اتفاق می افتد، جلب می کنیم.

۳ **کاملاً طبیعی است که فرزندان اشتباه کنند:** یادمان باشد در بعضی سنین دنیای فرزند در حال گسترش است. این فرآیند همراه با تمایل به تجربه کردن است. با نظارت دقیق و گاه غیر مستقیم اجازه دهیم فرزند دنیای پیرامون خود را تجربه کند. صد البته در مواردی که احتمال خطر در تجربه است، مداخله مستقیم ضروری است. قطعاً در کنار تجربه احتمال اشتباه صفر نیست. وقتی اشتباهی سر زد، به عنوان فرصتی برای یادگیری بهره ببریم نه دعوا در اینگونه موارد توجه فرزند را به ماهیت رفتار و آنچه بعد از این رفتار اتفاق افتاده، جلب کنیم. با وی صحبت کنیم: «اگر این رفتار را به گونه ای دیگر انجام می دادی چه می شد؟» بدین ترتیب توجه عزیزانمان را به آنچه «خودش» انجام داده و نتیجه آن جلب می کنیم. به او بگوییم حالا برای جبران چه «کاری» مناسب است انجام دهی؟ و بدین ترتیب سلسله وار توجه فرزند را به مسئول بودن در قبال رفتار جلب می کنیم.

۴ **گاهی محرومیت لازم است:** برای فرزندان قوانین را بنا به هر درک سن عقلی شان توضیح می دهیم و خواستار عملی شدن آن هستیم. اما پیروی نکردن از قوانین و بایدهای ارزشی خانواده از طرف فرزند باید با محرومیت هایی متناسب با سنشان همراه باشد. مثلاً بگوییم: «ها با هم قرار گذاشتیم وقتی چیزی روی می خوریم جیب زنییم، اما شما این کار و انجام دادی، امروز به خاطر این رفتار پسرک نمی ریم، به جای آن ساعتی که خونه هستی به رفتار بیش تر فکر کن!» در واقع سعی بر این است، فرزند متوجه شود ارتباطی بین آنچه «خود» می گوید و انجام می دهد، وجود دارد و به این نتیجه برسد پس من در قبال کارهایم مسئولم. در بسیاری موارد در فرزند پروری لازم است، ضمن درگیر بودن احساسمان به عنوان والدین که به هر حال طبیعی است، منطقی رانیز حاکم کنیم. نباید در قبال رفتارهایی که عزیزانمان دلم دیگسران را مقصر می داند، منفعلانه برخورد کنیم. در هر جایگاه و اتفاقی ذهن فرزند را با سوال های هدفمند به این سمت بکشانیم: «نقش تو در این میان چه بوده؟» فراموش نکنیم کسی که یاد نگیرد باید مسئولیت رفتارهایش را بپذیرد، نمی تواند درست و آگاهانه تصمیم بگیرد! پایه یک تصمیم به جا و درست این است که انتخاب کنیم که کاری را انجام دهیم یا تمام نیرو بگیریم، در صورت عدم خطا به خود افتخار کنیم و در صورت اشتباه عذرخواهی کرده و در صدد جبران باشیم. آگاه باشیم که انسان های مسئولیت پذیر، روحیه قوی دارند. از حاشیه خود را در دل چالش های می کشانند. امور زندگی را با تمام سختی ها به عهده می گیرند و در حیطه خود بسیار موفق عمل می کنند. این واقعیت اجتناب پذیر زندگی را مد نظر قرار دهیم که توان ما با گذشت سال ها رو به کاستی است. هنگامی که فرزندان در اوج جوانی هستند، نماز ظاهر جسم روان هدف دین آنها نیستیم! پس لازم است به عزیزانمان فرصت رشد و اجازه قد کشیدن شخصیت بدهیم، چرا که بر حسب قوانین فیزیک رشد جسمانی به هر حال صورت می گیرد اما رشد روان مهم تر است. ننترسیم از اینکه با پذیرفتن مسئولیت های تعریف شده بر اساس هنجارها و ارزش هایمان، فرزندان درگیر سختی شوند. آنها نیز مانند خود ما در بسیاری از موارد در دل سختی ها چیزهای بسیاری می آموزند.

■ مشاور و روانشناس

سبک تربیت



خودمان باید پایبند به آن باشیم و در مرحله بعد آن را به نسل بعد منتقل کنیم. پس در این راستا یکی از گام های مهم زندگی این است که «من باید مسئولیت کارهایم را بپذیرم.»

۲ **چگونه مسئولیت پذیری را در فرزندانمان تقویت کنیم:** قطعاً نقش والدین در انتقال مفاهیم بسیار بر اهمیت است. در گام اول بایبید تعریفی از مسئولیت پذیری برای خود داشته باشیم. به این نکته بیندیشیم هر آنچه «من» انجام می دهم، پیامدی دارد. بنابراین باید در تصمیماتم در نظر داشته باشم که جواب را باسنجم، راه حل ها را بررسی کنم تا حد امکان چالش ها را ببینم و قبول کنم. بدانم هر کاری که انجام می دهم مسئولیتی را به عهده گرفته ام. پس تا حد امکان مسئولیت را به خوبی انجام دهم. اگر بتوانیم این رفتار را در خود نهادینه کنیم، حالا فرزندانمان با والدینی «مسئول» روبه رو هستند. در گام بعد نیز با شیوه های مختلف «مسئولیت پذیری» را به عزیزانمان بیاموزیم. در مورد رفتارها و پیامدهای آن، بازی، قصه گویی و گفت و گو کنیم. این کار را روزانه انجام دهیم حتی اگر مادران شاغلمان، البته زن و شوهر هر دو در این راستا هم طرازند. از سنین پایین فرزندان عاشق بازی و شنیدن داستان هستند. در بازی ها هر کدامان نقشی بپذیریم. هنگام افعای نقش ها گفت و گو داشته باشیم. به به عنوان مثال: «در حین ماشین بازی... راننده این ماشین خیلی با سرعت میره نزدیک بود تصادف کنه! اینجا داخل شهر اجازه نداشتن با این سرعت رانندگی کنه، چون ممکنه به خودش یا دیگران صدمه بزنه! پس حتماً جریمه میشه!» یا در داستان گویی با طرح نقش قهرمان داستان، پیامدهای کارهایی که انجام می دهد را عنوان می کنیم. می توان خلاق بود و انتهای داستان از فرزند پرسید: به نظرت برای اینکه این مشکل پیش نمی آمد قهرمان داستان باید چه کاری می کرد؟ یا شما اگر جای او بودی چه

تقصیر من نبود! معلم با من لود بودا... همه با من لود بودند!... چرا داداش این کارو کرد کسی چیزی نگفت!... نوبت من که شد همه ایراد گرفتند!... این جمله ها برای بسیاری از والدین آشناست. البته گاه دامنه این نوع

گفت و گوها حتی در سنین بزرگسالی نیز شنیده می شود. علت چیست؟ قاعده پنهان در این بازی ظرف روان چه عاملی است که فرد خود را به حاشیه آنچه اتفاق افتاده می کشاند و به نوعی در فعلی که رخ داده نقش خود را تا حد امکان کم رنگ می کند یا نادیده می گیرد؟ این مسئله دلایل روانشناختی متعددی دارد، چنانچه بخواهیم به یکی از ریشه های ترین عوامل آن اشاره کنیم به «عدم مسئولیت پذیری» می رسمیم. متأسفانه وقتی فرزندانمان مسئولیت پذیری فاکتور بسیار مهمی است که نداشتن آن به شکل مقطعی می رسمیم که تبدیل به جملات می شود: رئیس ما همه جز من رفتار خوبی داره!... همش تقصیر همسر منه!... بچه ام اصلاً اون رفتاری رو که من دوست دارم نداره! او... لطفاً دقت کنیم! مسئولیت پذیران آمد تا آخر عمر فرد را درگیر می کند.

■ ■ ■ **من باید مسئولیت کارهایم را بپذیرم:** یادمان باشد از لحظه ای که تصمیم به پدر و مادر شدن می گیریم نسبت به انتقال تک تک مفاهیم اخلاقی به فرزندانمان مسئولیم. در اصل ارزشمندترین سرمایه های عمر ما وسیله های لوکسی که تهیه می کنیم، نیست! بلکه آن میراث اخلاقی و رفتار انسانی است که در وهله اول